



حضرت آیت الله آخوند ملا محمد کاشی

(رضوان الله علیه)

سخن در باره کسی است که ملکی بود که در آسمان کبریائی حق پرمی زد، و گوئی عارفی بود که حق را بحق شناخته بود. زندگی‌ش را فقط با انس با معبودش سپری نمود؛ و در بازار اصفهان در گوشه مدرسه صدر، آشیان طائرش بود، و عرش بالا، مکان حقیقی اش.

خدا را با تمام وجود می خواند که گویی استخوانهایش به صدا در می آمد. وی از فحول علما و غوآص بزرگ دانش بود و با کوله باری از علوم، سیل محصلین را به خود می خواند، معاشر حق طلبان بود و مرشد راه جویان. در آن زمان کشتی دریای بزرگ دانش اصفهان را دو ناخدا هدایت می کردند که هر دو همفکر و همقسم در راه اعتلای اسلام و جهان اسلام بودند؛ یکی آن بزرگوار و دیگری حکیم الهی جهانگیرخان قشقائی بود. هر چند که ما خاکیان را به عالم افلاکیان راهی نیست و طیران در آسمانی که امثال آخوند کاشی، آن عارف بی نظیر در آن جولان داده اند، از ما نیاید، ولی به حکم اینکه:

«آب دریا را اگر نتوان کشید؛ هم به قدر تشنگی باید چشید»

شرذمه ای از زندگانی آن بزرگوار را نقل می کنیم.

## تولد

آخوند ملا محمد کاشانی، معروف به آخوند کاشی به سال ۱۲۴۹ ق به دنیا آمد.<sup>۱</sup>

۱ - در جایی به تاریخ تولد وی اشاره نشده است لکن در کتب: تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۷؛ کارنامه همائی، ص ۵۱، سن آن بزرگوار به هنگام وفات (۱۳۳۳ ق) ۸۴ سال دانسته اند که بر می آید معظم له به سال ۱۲۴۹ ق متولد شده باشد.

## اساتید

بزرگترین استادش علامه نامدار، حکیم، آقا محمد رضا قمشهای بوده است. یکی دیگر از اساتید وی بنا به تصریح مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب، محدث متبحر، میرزا حسین نوری بود.<sup>۲</sup>

## شیوه زندگانی

این بزرگوار تا آخر عمر چنان به رابطه با خدایش مشغول بود که فانی در ذات مقدس معبودش گردید و از تمامی لذائد دنیوی قطع علاقه کرد تا پایان عمر تمام توانش را در راه انس با پروردگار مصروف داشت.

## حالات معنوی و عرفانی

حکایات چندی در خصوص حالات عرفانی این عارف وارسته نقل شده که عموماً به حد تواتر رسیده است و دلیل علو مقام و عظمت شأن آن بزرگوار است. آیت الله حاج آقا رحیم ارباب که صاحب اسرار و واقف به دقائق و جزئیات استادش بود یکی از این حکایات را نقل فرموده که خلاصه آن چنین است:

در آن هنگام که دائم ملازم خدمت مرحوم آخوند بودم يك روز امر فرمود که شام را ترتیب دهم. من در پستوی حجره مشغول فراهم کردن شام بودم که آخوند به نماز ایستاد. پیرمرد آن شب حالی پیدا کرد، نمازی خواند و مناجاتی کرد، گویی تمام درختان با هم همنوا شده و می خواندند: *سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ وَ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ* صدایش آهنگی یافته بود که آن آهنگ آسمانی تسمه از گرده هر شنونده‌ای می کشید، غرق در عوالمی بود که گویی حضور مرا در آن مکان بکلی از یاد برده بود و من مات و مبهوت و متحیر آن صحنه بودم که ناگهان به خود آمد، من هم به خود آمدم. در حالی که بوی غلیظی که از غذای سوخته بلند شده بود تمام حجره و صندوقخانه را پر کرده بود و در آن عالم حیرت من، تمام غذا در تابه سوخته و زغال شده بود. آخوند هم بدون این که چیزی از آن عوالم به روی خود بیاورد،

.....  
۲ - تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین، ص ۷۵.

فرمود: آقا رحیم بادمجانها سوخت، طوری نیست، اینکه ناراحتی ندارد، مقدر این بوده است که امشب هم حاضری بخوریم.<sup>۳</sup>

مؤلف شرح زندگانی آیت الله العظمی بروجردی می نویسد:

حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا محمد مقدس اصفهانی برایم نقل کردند که روزی در جلسه تفسیر مرحوم آخوند کاشی حاضر بودم و آیه ای را که تفسیر می فرمودند این آیه بود. *أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعًا* ایشان در خلال مطالب تفسیری فرمود:

همین طور است، خودم مکرر آنها را به همین وصف دیده ام که با همین صفت بوده اند بعضی دارای دو بال و بعضی سه بال و بعضی دیگر چهار بال داشتند.<sup>۴</sup> حجت الاسلام جناب آقای حسین انصاریان در جلد پنجم عرفان اسلامی که شرحی است بر کتاب مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة می نویسد:

یکی از تربیت شدگان علمی و عملی مرحوم آخوند کاشی، فیلسوف و فقیه و حکیم بزرگ مرحوم آقای حاج آقا رحیم ارباب بود. این فقیر دو بار برای زیارت آن مرد بزرگ به اصفهان رفت و هر بار از خرمن فیض آن جناب بهره ها گرفت. این مرد بزرگ از حالات معنوی و روحی استاد عالیقدرش مرحوم آخوند کاشی مسائلی بس مهم نقل می کرد.

یکی از طلبه های مدرسه صدر - محل سکونت آخوند کاشی - که دارای حالات معنوی و عرفانی بود می گوید:

شبی برای عبادت و مناجات با قاضی الحاجات از خواب برخاسته وقتی وضو گرفتم و آماده برای برنامه حال شدم، ناگهان دیدم تمام در و دیوار مدرسه و سنگ ریزه ها و برگ درختان در پاسخ ناله انسانی دل سوخته به نوای *سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ* در ترنمند.

خداوندا اصل ناله و صدا از کیست و این چه صدایی است که تمام

۳ - شعوبیه، ص ۱۱۰.

۴ - سوره فاطر (۳۵): ۱.

۵ - خاطرات و زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۲۶.

موجودات مدرسه با او هم آهنگند؟ مشغول تحقیق شدم. نزدیک حجره آخوند رسیدم، دیدم محاسن سپیدش را روی خاک گذاشته، در حالی که چون سیلاب از دو دیده اشک می بارد این ذکر شریف را می گوید: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ ، وَ در دیوار مدرسه و درختان و نباتات به دنبال او این ذکر را می گویند، از هیبت ذاکر و ذکر و مذکور، فریادی زدم و غش کردم، چون به هوش آمدم به حجره خود برگشتم، وسط روز خدمت استاد رسیدم با حالتی پر از اعجاب و بهت و حیرت به حضرت استاد عرضه داشتم داستان دیشب چه بود که مرا سخت به تعجب انداخت؟ آخوند کاشی در کمال سادگی به من گفت: تعجب از توست که به چه علت گوش تو باز شد تا چنین برنامه ای را شنیدی، هان تو چه کرده بودی که در برابر این برنامه توفیق شنیدن یافتی؟!»<sup>۶</sup>

نکته ای که تذکرش ضروریست اینکه حرکات و حالاتی از مرحوم آخوند مشاهده می شد و آنهایی را که به وادی محرمیت اسرار الهی راهی نیست، این حالات را حمل بر تندخویی و سوء برخورد نموده اند. غافل از این که به آن وادی که آخوند را راه بود آنها را اگر بهره ای ولو اندک می بود هرآینه قالب تهی می کردند. در اینجا حکایت معروفی را که برطرف کننده آن توهم بی مورد است نقل می کنیم:

نقل شده: روزی مرحوم آخوند به اتفاق پیشخدمت خویش به محلی رفته بود. ناگهان او را مورد عتاب قرار داد و کلمات مهملی به وی گفت. بعد از آنکه به مدرسه صدر برگشتند پیشخدمت علت این برخورد را از مرحوم آخوند جویا شد. آخوند که حقیقتاً روح ملکوتیش سزاوار مأوا در عالم خاک نبود و لقای الهی برایش زینده بود، پرده از روی سرّ قضیه برداشت و خطاب به وی گفت: ناگاه پرده حجاب از جلوی چشم کنار رفت و هر کس را به شکل حقیقی خودش دیدم و آنچنان صحنه فوق العاده بود که عنان سخن از دستم پر بود!!<sup>۷</sup>

بلی مرحوم آخوند گاهی اوقات افراد را به شکل حقیقی و باطنی که در اثر عصیان و نافرمانی ذات مقدس حضرت حق پیدا کرده بودند می دیده است.

.....

۶ - عرفان اسلامی، ج ۵، ص ۱۶۷.

۷ - به نقل از حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا حسن امامی از اساتید حوزه علمیه اصفهان.

## تعبد آخوند

به یقین هر اندازه علم و معرفت انسان به ذات مقدس حضرت حق تعالی بیشتر باشد به همان اندازه خوف انسان از ذات مقدس کبریائیش بیشتر خواهد شد در این باره امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر که خدا را شناخت از او بترسد و هر که از خدا بترسد دل از دنیا برکند.<sup>۸</sup>  
آخوند از کسانی بود که حقیقتاً تار و پود وجودش معرفت به معبودش بود  
لذا نقل شده که خود آن بزرگوار روزی خطاب به آیت الله حاج آقا رحیم ارباب گفت:  
آقا رحیم، خدا را چگونه شناخته‌ای؟ گوید گفتم:

شناسائی او امری فطری است. مرحوم آخوند گفت: مدتهاست که این  
مطلب برای من کشف شده است و از راه شهود، وجود حق را دریافته‌ام.<sup>۹</sup>

آری آخوند در موازات شناختش، از ذات کبریایی حضرت حق خوف داشته  
و لذا آنچنان دل از ماسوی الله کند که فقط به رابطه خود و خدایش مشغول شد که  
گویی همچون مولایش امیرالمؤمنین علیه السلام به دنیا خطاب نموده و گفته: «ای  
دنیا، ای دنیا... من تو را سه بار طلاق گفته‌ام، و باز گشتی در آن نیست.»<sup>۱۰</sup>

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: کسی که به  
خدای خود عارف‌تر شد ترس او از خدا بیشتر خواهد بود.<sup>۱۱</sup>

آخوند در زمان خود عارف‌ترین افراد به ساحت مقدس ربوبی بود و لذا  
جابری انصاری که از شاگردان آن بزرگوار بوده نقل می‌کند:

آخوند هر نیمه شب نمازی چنان به سوز و گداز می‌خواند و بدنش به لرزه  
می‌افتاد که از بیرون حجره صدای حرکت استخوانهایش احساس می‌شد.<sup>۱۲</sup>  
راستی از بیروان صادق امیرالمؤمنین علیه السلام که به هنگام راز و نیاز با

۸ - اصول کافی، ج ۲، ص ۶۸.

۹ - کیهان فرهنگی، س ۳، آذر ۶۵، ش ۹، ص ۳۱.

۱۰ - نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۷۷.

۱۱ - بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۹۸.

۱۲ - تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین، ص ۷۵.

معبود بی‌نیاز از خود بی‌خود می‌شد و به هنگام نماز، تیر از پای مبارکش بیرون می‌کشند و اصلاً احساس نمی‌کند و ذره‌ای از توجهش نمی‌کاهد، جز این هم انتظار نمی‌رود؛ چرا که اینها نیز تربیت شده همان مکتبند.

### بر کرسی درس اخلاق

مرحوم آیت الله آقا نجفی قوچانی که عارفی وارسته و از شاگردان مرحوم آخوند کاشی است در باره شیوه استادش در تربیت طلاب و تأثیر سخنان اخلاقی آن پیر طریق می‌نویسد:

ملا محمد کاشی همیشه پیش از درس به قدر يك ربع موعظه و نصیحت می‌نمود که خیلی مؤثر واقع می‌شد به طوری که مصمم می‌شدیم بالکلیه (به طور کلی) از دنیا و مافیها صرف نظر کرده، متوجه آخرت گردیم.<sup>۱۳</sup> و در ادامه می‌نویسد:

و به تأثیرات مواعظ استاد کامل آخوند کاشی، منظومه (نزد او) می‌خواندیم و به اقتضای معارفی که از آن استاد گوشزد ما می‌شد، کم کم متمایل به شب زنده‌داری و کناره‌گیری از مردم حتی الامکان گردیدیم.<sup>۱۴</sup> در اینجا تذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

۱ - مداومت آن بزرگوار به تذکر دادن نکات اخلاقی، همه روزه و قرار دادن درس اخلاق به عنوان مقدمه‌ای برای مابقی دروس، دنیایی از معنی و مفهوم در خود نهفته دارد، روشن است که يك استاد وارسته اخلاق با این شیوه تا چه اندازه مفید و مؤثر است و چه انسانهای مستعدی را می‌تواند به احسن وجه تربیت کند و تحویل جامعه دهد.

۲ - تأثیر سخن و دم مسیحایی مرحوم آخوند. به خاطر آن است که خود وی دنیا و مافیها را پشت سرافکند لذا آنچنان در نهاد طالبان سعادت اثر می‌کند که مردان پرسوز و گدازی همچون آقا نجفی قوچانی، حاج میرزا علی آقا شیرازی،

۱۳ - سیاحت شرق، ص ۱۸۸.

۱۴ - همان، ص ۱۹۶.

محمود ابن الرضا و صدها استاد فرزانه دیگر را تحویل جامعه مقدس تشیع می‌دهد.

### در کلام صاحب نظران

استاد همائی می‌نویسد: یکی از دو استاد بزرگ فلسفه، آخوند ملا محمد کاشانی (و دیگر حکیم قشقایی) است که علاوه بر فلسفه در فقه و اصول و ادبیات و ریاضیات نیز مدرس، استاد و در جمیع این فنون دارای مرتبه اجتهاد بودند. آخوند کاشی متجاوز از پنجاه سال با عشق و علاقه هر چه تمامتر به تدریس و تعلیم فنون عقلی و نقلی و تربیت طالبان مستعد اشتغال داشت. جماعت کثیری از فضلا و علما خواه در فنون ادبی و خواه در فقه و اصول، ریاضی و کلام و فلسفه، از برکت انفاس قدسیه او فیض یاب و از سرچشمه افاضاتش سیراب شدند.<sup>۱۵</sup>

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در باره مرحوم آخوند می‌نویسد: مردی مرتاض بود و حالات عجیبه از او ظاهر می‌شده است. بسیاری از اکابر و از آن جمله مرجع بزرگ مرحوم آقای حاج آقا حسین بروجردی... از شاگردان اویند در سال ۱۳۲۲ شمسی که در بروجرد از محضرشان (آیت الله بروجردی) استفاده می‌کردم از خودشان، شاگردی نزد آخوند و همچنین ظهور حالات عجیب آخوند را شنیدم...<sup>۱۶</sup>

فرصت الدوله شیرازی در شرح زندگانی و خاطراتش در قسمت شرح سفرش به اصفهان می‌نویسد:

...در همان مدرسه یعنی «مدرسه صدر» به خدمت جناب آخوند ملا محمد کاشانی رسیدم. سابقاً در اصفهان یکی از تألیفات مرا دیده، تمجید فرموده بود. احیاناً در این سفر به خدمتش رسیدم، عالمی است با عمل و حکیمی بی‌بدل، ماشاءالله در تمام علوم ید طولانی دارد. صرف و نحو و معانی و بیان که حاضر در

.....

۱۵ - دورساله همایی، ص ۱۵.

۱۶ - خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۱۱.



ذهنش هست، منطق مثل موم در دستش، فقه و اصول ملکه راسخه‌اش، حکمت پیش پافتاده‌اش، ثم ماشاء الله چه قدر خلیق چه قدر شفیق، مهربان، خوش زبان.<sup>۱۷</sup>

آقای سید مصلح الدین مهدوی می‌نویسد:

حکیم عارف و بزرگوار و فیلسوف علی‌الاطلاق مرحوم آخوند ملا محمد کاشی، از نوادر اعصار و در علم و عمل و زهد و تقوا و تدریس حکمت علمی و عملی یگانه روزگار بود، در کمتر زمانی از ازمینه برای او در بین علما و دانشمندان مثل و مانندی می‌توان یافت.<sup>۱۸</sup>

آیت الله آقا نجفی قوچانی در کتاب سیاحت شرق می‌نویسد:

مرحوم آقا شیخ محمد کاشی پیرمردی بود که در مدرسه صدر جستم. طلاب او را تعریف کردند و خودش مدعی بود که در بیست و دو علم مجتهد است... و مدعی مقام شهود و فنا هم بود و در این دعاها صادق بود.<sup>۱۹</sup>  
شیخ اسدالله ایزد گشسب (گلپایگانی) که خود از شاگردان مرحوم آخوند بوده است می‌نویسد:

جامع فضایل انسانی ملا محمد کاشانی رحمة الله علیه سالهای چند با مقامی ارجمند در مدرسه صدر آرمیده، معقول و منقول را تدریس می‌نمود و قریب هشتاد سال از سن شریفش می‌گذشت و عیال اختیار نکرد و گوینده لا اله الا الله را از دیگران کافی دانسته، طبعش به ظرافت مایل بود. نگارنده مقداری از او استفاده نمود، الحق در تمام ایران چنین حکیم جامع و شخص کاملی کمتر پیدا می‌شد.<sup>۲۰</sup>

دو یار صمیمی

آخوند کاشی معاصر و یار صمیمی حکیم جهانگیر خان قشقائی بود و ارتباط قلبی خاصی با هم داشته‌اند. گویا هم‌بحث نیز بوده‌اند، هر دو از شاگردان آقا محمد رضا قمش‌ای بودند و اکثر کسانی که دوره این دو دانشمند نامی را درک کرده‌اند از

.....

۱۷ - آثار عجم، ص ۶۱؛ دیوان فرصت، ص ۱۳۹.

۱۸ - تذکرة القبور و یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۶.

۱۹ - سیاست شرق، ص ۱۶۱.

۲۰ - شمس التواریخ، ص ۱۳۹.

خرمن علم و تقوا و انفاس قدسی این دو بزرگوار بهره‌ها برده‌اند به طوری که در شرح حال بزرگان و علمای آن روز اصفهان مسطور است، عموم‌آنهايي که از شاگردان حکيم قشقائي بوده‌اند در زمرة شاگردان آخوند کاشي هم هستند. حکيم قشقائي امور کفن و دفن خود را به آخوند کاشي واگذار نموده بود، او نيز به وصيت وی عمل کرد.<sup>۲۱</sup>

استاد همایی در خصوص این دو استاد فرزانه می‌نویسد: سالیان دراز گذشت که در حوزه علمیه اصفهان کلمه «آخوند» و «خان» ورد زبانها بود، هنوز هم از زبان باقی ماندگان آن زمان این دو نام مقدس را با تجلیل و احترام می‌شنویم.<sup>۲۲</sup> همو در جای دیگر نوشته:

در قرن معاصر حوزه تدریس فلسفه ملا صدرا حدود نیم قرن در اصفهان به وجود دو استاد علامه نامدار و بزرگوار که هر دو تا آخر عمر حجره داشتند و رونق مدرسه از درس و دعای ایشان بود، گرمی و رونقی بسزا داشت، چندانکه طلاب این علم از بلاد دور و نزدیک حتی از ممالک مجاور برای درك محضر ایشان به اصفهان می‌شتافتند و سالیان دراز نام خان و آخوند ورد زبان علما و محصلان علوم قدیم بود... یکی از دلایل اینکه هر دو استاد به حقیقت، اهل دین و دانش بودند نه از قماش جاهلان عالم نما که مصطلحات علمی را وسیله تفاخر و تکاثر جاه و مال قرار داده باشند این است که به هیچ وجه با یکدیگر رقابت و همچشمی و منازعت نداشته، بلکه با یکدیگر با کمال رعایت احترام و مودت و صفا و یگانگی رفتار می‌کردند، و در ترویج و بزرگ داشتن یکدیگر اهتمام می‌ورزیدند.<sup>۲۳</sup>

#### شاگردان

مرحوم آخوند با جامعیت علمی و انفاس قدسیش جمع کثیری را تربیت و تحویل جامعه داد که به بعضی از آن بزرگان اشاره می‌شود:

میرزای ارسطو، آقا میرزا عباس شیدای اصفهانی، آقا سید محمد کاظم

۲۱ - شرح رجال ایران، ج ۳، ص ۲۸۴.

۲۲ - دیوان طرب، (مقدمه) ص ۷۰.

۲۳ - دو رساله همائی، ص ۱۷ - ۱۸.

موسوی اصفهانی، حاج آقا رحیم ارباب اصفهانی، آقا میرزا عبدالحسین قدسی،  
 سیف الشعراء دهقان سامانی، آقا شیخ علی نخستین سلطان آبادی، آخوند ملا  
 عباس سلطان آبادی، آقا سید محمد هزاوی سلطان آبادی اشراقی، حاج شیخ  
 عیسی الشاردی اللاهاردی القزوینی، آقا سید عباس صفی دهکردی اصفهانی، حاج  
 آقا محمد مقدس اصفهانی، آقا شیخ محمد حسن طالقانی، آقا میرزا محمد حسن  
 مدرس طباطبائی زواری، آخوند ملا حسین مهرآبادی، آقا میرزا مسیح تویسرکانی،  
 آقا سید حسن قوچانی مشهور به «آقا نجفی»، آقا شیخ محمد علی زاهد قمشهای  
 مشهور به «ابی المعارف»، آقا میرزا محمد رضا مهدوی قمشهای، آقا سید ابراهیم  
 شمس آبادی، آقا شیخ محمد حکیم گنابادی خراسانی، آقا میرزا ابوالحسن  
 عمادالشریعه سدهی، آقا سید محمد علی داعی الاسلام، آقا ملا محمد بن آخوند  
 ملا حسن همای، آقا میرزا حسن کاشانی، آقا شیخ احمد شیخ المحققین  
 اصطهباناتی، میرزا سید محمد حقائق کشفی اصطهباناتی، آقا میرزا باقر علوی  
 شهیدی، آقا سید احمد دهکردی، میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت، حاج میرزا باقر  
 امامی، حاج ملا عبدالله هرنندی، حاج آقا عطاء امامی، میرزا حبیب الله نیر الادباء،  
 آقا سید محمد باقر ابطحی، آقا میرزا باقر تویسرکانی، آقا میرزا مهدی اصفهانی،  
 آقا میرزا فتح الله درب امامی، آقا میر سید حسن مدرسی میر محمد صادقی، آقا  
 میرزا عبدالحسین میر دامادی، آقا سید محمد تقی موسوی احمد آبادی، آقا سید  
 زین العابدین طباطبائی ابرقوئی، آقا شیخ صفر علی همدانی، آقا ملا فرج الله  
 دری، آقا میرزا عبدالرزاق همدانی، آقا میرزا محمد علی سدهی، آقا شیخ محمد  
 علی یزدی، آقا سید فخرالدین خوانساری، آقا میرزا محمد حسن مستجاب الدعوة،  
 آقا میرزا محمد باقر مستجاب الدعوة، آقا میر سید محمد اصفهانی، حاج میرزا  
 حسن خان جابری انصاری، آقا شیخ محمد حسن نجف آبادی، حاج میرزا محمد  
 حسین کهنکی، حاج شیخ محمد علی کرمانی، آقا سید محمد حسین سدهی، آقا  
 شیخ ابراهیم کلباسی، آقا شیخ محمد رضا جرقویه ای، آقا سید یوسف خراسانی،  
 آقا شیخ علی فقیه فریدنی، آقا میرزا یحیی مدرس بید آبادی، آقا شیخ محمد هادی  
 فرزانه قمشهای، آقا میرزا مهدی دولت آبادی، آقا سید ناصرالدین نجف آبادی، آقا

شیخ مرتضی قمشه‌ای، آقا محمد نوری، آقا میرزا محمد اردبیلی، آقا میرزا رضا کلباسی، آیت الله حاج سید حسین بروجردی، آقا سید حسن مشکان طبسی، آقا میرزا محمد ناصر الحکمة، آقا شیخ حبیب الله نائینی، آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی، آقا میرزا ابوالقاسم محمد نصیر شیرازی، آقا شیخ محمد حسن بیچاره بیدختی صالح علی، حاج میر سید حسن چهار سوقی، سید محمد تقی احمد آبادی، شهید آیت الله سید حسن مدرس، حاج میرزا علی آقاشیرازی، آقا شیخ محمود مفید اصفهانی، حاج مشیر الملک نائینی، آیت الله حاج میرزا حسین نائینی، سید محمد کاظم موسوی اصفهانی، آقا شیخ مرتضی طالقانی، آقا سید مهدی طالقانی.<sup>۲۴</sup>

#### وفات

معظم‌له پس از ۸۴ سال عمر پر برکت همراه با سیر و سلوک الی الله که وجودش را سرشار از عشق و سوز و گذاز در فراق محبوب ساخته بود، روز شنبه ۲۰ شعبان ۱۳۳۳ ق از جمع ما رخت بر بست و به ملکوت اعلای حق پیوست، مرغ بهشتیش به گلشن رضوان پرواز کرد و در عرش الهی با ارواح مقدس انبیاء و اولیاء مآمن گرفت.

جنازه مطهرش در تخت فولاد اصفهان در جنب لسان الارض مدفون گردید.

ماده تاریخ وفاتش را جابری انصاری چنین گوید:

طایری سر برون نموده و گفت زد محمد علم به قصر بهشت  
عبارت لوح قبر آن بزرگوار چنین است:

فقیر الحق أضعف خلق الله آخوند ملا محمد کاشانی.<sup>۲۵</sup>

#### منابع و مآخذ

آثار عجم، فرصت الدوله شیرازی، چاپ اول، انتشارات بامداد، آبان ماه ۱۳۶۲.

تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین، منوچهر صدوقی سها، نشر انجمن اسلامی

.....

۲۴ - تاریخ حکماء و عرفاء متأخر بر صدر المتألهین، ص ۷۵ - ۸۴.

۲۵ - تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۷.

حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۵۹.

تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، نشر کتابفروشی ثقفی، اصفهان، چاپ دوم.

خاطرات و زندگانی آیت الله بروجردی، علوی طباطبائی، نشر سازمان چاپ و انتشارات اطلاعات، تهران، خرداد ۱۳۴۱.

خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید آیت الله مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ج ۱۲، قم، ۱۳۶۲.

دورساله همایی، استاد جلال الدین همائی، نشر انجمن فلسفه ایران، ۱۳۹۸ هـ. ق.

دیوان فرصت الدوله شیرازی، نشر کتابفروشی محمودی، بی تا.

دیوان طرب (طرب بن همای شیرازی)، نشر فروغی، چاپ نگین، تهران ۱۳۴۲.

رجال اصفهان یا تذکره القبور، آخوند گزی، با حواشی سید مصلح الدین مهدوی، چاپ دوم، ۱۳۲۸ ش - ۱۳۶۹ ق.

شرح رجال ایران، ج ۳، مهدی بامداد، کتابفروشی زواره، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۷.

شعوبیه، جلال الدین همائی، به اهتمام منوچهر قدسی، انتشارات کتابفروشی صائب اصفهان، چاپخانه بزرگمهر، ۱۳۶۲.

شمس التواریخ، اسدالله ایزد گشسب (شمس)، به اهتمام عبدالباقی ایزد گشسب، تهران، چاپخانه نقش جهان، مهر ۱۳۴۵.

عرفان اسلامی، ج ۵، حسین انصاریان، نشر پیام آزادی چاپ شرکت افست «سهامی عام» چاپخانه ۱۷ شهریور، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

کارنامه همائی، عبدالله نصری، دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ ۱۳۶۷.

کیهان فرهنگی، سال سوم، شماره ۹ آذر ماه ۶۵.

